

معرفی و بررسی ترجمه‌های قرآن کریم از مصطفی خرم‌دل

(بررسی موردی تفسیر نور و شنه‌ی ره‌حمه‌ت)

شرافت کریمی^۱ (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کردستان)

جمیل جعفری (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کردستان)

سعدی صفار کلکان (کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه کردستان)

DOI: [10.34785/j022.2021.006](https://doi.org/10.34785/j022.2021.006)



تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۷

تاریخ الوصول: ۲۰۲۰/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵

صفحات: ۱۴۷-۱۶۴

تاریخ القبول: ۲۰۲۱/۱۱/۱۶

چکیده

مصطفی خرم‌دل از مترجمان برجسته قرآن و صاحب آثاری چون: تفسیر نور، ترجمه تفسیر فی ظلال القرآن و ترجمه روان (به فارسی)، تفسیر المقتطف (به عربی)، تفسیر شنه‌ی ره‌حمه‌ت (به کردی) را نوشته است. در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر تفسیر شنه‌ی ره‌حمه‌ت و تفسیر نور و با هدف ارائه نقاط قوت و ضعف این آثار، به معرفی و بررسی آنها پرداخته شده است. پس از بررسی این آثار بر اساس اصول ساختاری و محتوایی زبان‌های مبدأ و مقصد؛ در می‌یابیم که ترجمه‌های خرم‌دل بسیاری از بایسته‌های اصول ترجمه قرآن را دارد و این، حاصل دقت‌نظر و مهارت مترجم و اشراف او بر ساختارهای دستوری و بلاغی زبان‌های کردی، فارسی و عربی است. به نظر می‌رسد که ترجمه تفسیری «شنه‌ی ره‌حمه‌ت» ترجمه «تفسیر نور» ایشان باشد؛ اگرچه مترجم به این موضوع اشاره نکرده است. با این حال، نقدهایی هم بر آنها وارد است؛ از جمله: گرایش به اطناب، عدم توجه کامل در ترجمه برخی انواع واو، ترجمه ناقص از آیات در چند مورد، فقدان معادل‌های مناسب برای بعضی مفردات، تعمیم برخی اسم‌های خاص، عدم توجه به مؤنور و اسباب نزول آیات با توجه به اینکه هر دو اثر با عنوان تفسیر نام‌گذاری شده است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، ترجمه، مصطفی خرم‌دل، تفسیر نور، شنه‌ی ره‌حمه‌ت.

^۱ نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: sh.karimi@uok.ac.ir

دراسة ترجمة القرآن الكريم لمصطفى خرم‌دل (تفسيرا نور و شنهى رهمهت نموذجاً)

الملخص

إن الأكراد أقبلوا على الإسلام بداية دخوله إلى بلادهم بجفاوة. فعلماءهم أدوا دوراً هاماً في بناء الحضارة الإسلامية المكتوبة وخاصة في العلوم العربية والدراسات القرآنية. مصطفى خرم‌دل يعتبر باحثاً قرآنياً شهيراً في إيران وله دراسات قرآنية منها التفسير المسمى بـ«تفسير نور» بالفارسية، تفسير المقتطف بالعربية، ترجمة في ظلال القرآن الكريم إلى الفارسية و ترجمة القرآن المسماة بـ«شنهى رهمهت» باللغة الكردية و ترجمة أخرى للقرآن الكريم المسماة بـ«ترجمه روان» في اللغة الفارسية. في هذا المقال درسنا تفسير النور و شنهى رهمهت في منهج تحليلي و نقدي لنبين ميزاتهما و أسلوب المفسر المترجم فيهما. من النتائج التي وصل إليها المقال هي: مقدرة خرم‌دل العلمية و اللغوية و مهاراته في العربية و الفارسية و الكردية أدت إلى نجاحه في كتابة تفسير القرآن و ترجمته و فيهما الميزات الهامة تتناسب و أصول ترجمة القرآن الكريم أو مبادئ تفسيره؛ منها: الاهتمام بالتطور التاريخي في اختيار المفردات الكردية أو الفارسية في نص فصيح مع الابتعاد عن الأراء المتضاربة فقهيها و نحويها و لغويها و الاهتمام بالبنى البلاغية لاستخراج المفاهيم و إلقاء الدلالات. لكنه بالرغم من هذا يؤخذ عليه الإطناب في ترجمة قسم من الآيات و عدم الاهتمام بضبط الأعلام في اللغة الهدف و الإختلاط بين الترجمة و التفسير و تسمية عمله الأخير بـ«تفسير شنهى رهمهت» بينما أنه ليس بتفسير بل يعتبر ترجمة تفسيرية للقرآن الكريم.

الكلمات الرئيسية: القرآن الكريم، مصطفى خرم‌دل، الترجمة، تفسير النور، شنهى رهمهت.

۱. مقدمه

ترجمه قرآن سابقه‌ای دیرینه دارد. با گسترش اسلام در جزیره العرب و سپس در سراسر جهان، نیاز به ترجمه قرآن برای انتشار اسلام همچون یک نیاز احساس شد. لفظ ترجمه جدای از ثلاثی یا رباعی بودن و یا معرب و عجمی بودن آن؛ در اصطلاح به معنای انتقال کلام از زبانی به زبان دیگر (زرقانی، ۱۳۸۵: ۶۸۳) یا بیان معنایی مشابه در قالب زبانی دیگر است (شاهسوندی و خانه‌زاد، ۱۳۷۵: ۳۳) و در واقع نوعی انتقال معنا و فرهنگ به‌شمار می‌آید. بنابراین ترجمه قرآن کریم انتقال دلالت‌ها و معانی الفاظ و افکار و اندیشه‌های نهان و آشکار آن از زبان عربی به زبانی دیگر است. قرآن کریم از عصر صحابه تا به امروز به زبان‌های رسمی بسیاری ترجمه شده است. با گسترش اسلام، مسلمانان غیرعرب‌زبان؛ هرچه بیشتر به سوی پیام‌های این کتاب گرایش یافته‌اند. این گرایش نه صرفاً برای تلاوت آیات؛ بلکه برای آشنا ساختن این مردمان با کلام وحی و تدبر در آن، دریافت مفاهیم و تطبیق دادن زندگی با موازین و حیانی آن به عنوان یک نیاز مطرح بوده است. احمد رهنجیار در تفسیر آیه مبارکه ﴿وَالطُّورِ وَكِتَابٍ مُّسْتَوْرٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ﴾ (طور/۱-۳) می‌گوید: این آیات دلیلی بر این حقیقت است که قرآن قابل نوشتن و انتشار دادن در تمام جهان و برای تمام نسل‌هاست (رهنجیار، ۲۰۰۹: ۶۲۳). حال اگر منظور نوشتن کلام خداوند و رسانیدن پیام او به کسانی که آن را نشنیده‌اند باشد، ترجمه قرآن، نه تنها جایز، بلکه امری واجب و ضروری است. از این رو ملت‌های مسلمان از اردو، ترک و کرد گرفته تا چینی و اندونزیایی و از بربرهای آفریقا تا اروپاییان نصرانی، هر کدام به ترجمه قرآن اقدام کرده‌اند. در این میان قطع نظر از صحت یا سقم روایات تاریخی در ترجمه ی سلمان فارسی از برخی آیات؛ بر اساس دیگر شواهد ایرانیان از اولین مترجمان قرآن هستند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۱۴ و خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۴۴/۱). نسخه‌های خطی موجود از ترجمه تفسیر طبری، قرآن پاک، نسخه کمبریج از شواهد این مدعاست.

امروزه به دنبال ترجمه‌های فراوان قرآن به زبان‌های مختلف؛ سنجش صحت و سقم ترجمه‌ها نیز اهمیت بسیاری یافته است و حوزه ترجمه پژوهی قرآن نیز به عنوان زوج ترجمه همچون یک فن علمی ظهور کرده است. این مهم از سویی مؤید اهمیت ترجمه صحیح متون مذهبی و از دیگر سو بررسی و کاوش نقادانه در درستی این ترجمه‌هاست و به سبب اهمیتی که قرآن کریم در انتقال کلام الهی دارد، در قیاس با سایر متن‌ها از حساسیت بیشتری برخوردار است. و حیانی بودن، ساختار ظریف بلاغی، پیچیدگی‌های زبانی از جمله ی این حساسیت‌هاست. علاوه بر این برخی مفاهیم قرآن گاه آنچنان دست‌خوش باورها، بازتاب سلیق یا عصبیت‌ها و نارسایی‌های زبان مقصد بوده که هدف سوء استفاده و هجمه‌های مخالفان قرار گرفته است؛ این موضوع در برخی ترجمه‌های اروپاییان در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی دیده می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹۴). بنابراین ضرورت دارد ترجمه‌های قرآن همواره مورد بررسی قرار گرفته، موارد مطلوب و یا لغزش‌های احتمالی

یادآوری و اصلاح شود. صاحب‌نظران نیز با توجه به تغییراتی که همواره در زبان مقصد روی می‌دهد؛ تا جایی پیش می‌روند که ضرورت ترجمه مناسب گویش و نگارش هر زبان از قرآن را در هر ربع قرن یکبار ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند (کوشا، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

از زمان تدوین اولین ترجمه‌های قرآن به زبان کردی - به صورت تفسیر یا ترجمه - اطلاع دقیقی در دست نیست. تاریخ ترجمه‌های موجود نیز به بیش از یک قرن نمی‌رسد. اخلاص علماء و دانشمندان کرد برای خدمت به تمدن و فرهنگ اسلامی تا آنجا بوده است که اشاره به نژاد و زبان را نوعی عصبیت می‌شمرده‌اند. علامه عبدالکریم مدرس مفسر کرد در مقدمه کتاب "علمائنا فی خدمه العلم والدین" می‌نویسد: «با گسترش اسلام در شمال جزیره عربی، اکراد با سینه‌گشاده پذیرای آن شده، در عسر و یسر به آن خدمت نمودند و تألیفات، ارزشمند و مفاخریزرگی، را به آن تقدیم کردند. لیکن آنان نام و نشان قومی را در آثار خویش ثبت ننموده که یکی از عوامل آن، اعتماد به خداوند و حواله نیت به او (جل و علی) و خدمت خالصانه به دین بوده است» (المدرس، ۱۴۱۷: ۳) نقل مفهوم. از یک طرف محبت زبان عربی به عنوان زبان قرآن و از سوی دیگر در تنگنا بودن زبان کردی و در محاصره زبان‌های حاکم (فارسی و ترکی و عربی) قرارداشتن؛ دانشمندان کرد را وادار کرده بود که آثار و نوشته‌های خود را با زبان رسمی حاکم به تالیف درآورند؛ عامل مهم دیگر، موانع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی در محدودیت‌های این ملت بزرگ برای نوشتن به زبان مادری بوده است؛ تاجایی که داعی بزرگ بدیع الزمان سعید نورسی بنیان‌گذار جماعت اسلامی نور در ترکیه، مجبور بوده است تمامی آثار حتی نامه‌های شخصی خود را به زبان ترکی بنویسند. این امر موجب شده است که در سایر بلاد به نژاد ترکی شناخته شود (وحیدالدین خان، ۲۰۰۸: ۲۰).

قدیمی‌ترین تفسیر به زبان کردی «تینکاری ئیمان بو قهومی کوردان» است که هنوز به صورت نسخه مخطوط باقی مانده است. این تفسیر در اوایل قرن بیستم در کردستان عراق توسط ملامحمد خواهرزاد، فرزند عبدالکریم فرزند ملاحسین پینجویینی (۱۹۳۵ - ۱۸۶۸ م) نوشته شده است. همزمان با این تفسیر، دو اثر دیگر با نام‌های «تفسیری کوردی له کهلامی خواوهندی»، از ملامحمد بن عبدالله جلی‌زاده کویبی مشهور به «مه‌لا گه‌وره» (۱۹۴۳ - ۱۸۷۶) و «ژیانی ئینسان له تفسیری قورئان» به قلم ملاحسین شیخ سعدی مشهور به «فانی» (۱۴۰۴ - ۱۳۰۱ ق) از اولین تفاسیر کردی به‌شمار می‌آیند. ملاحسین شیخ سعدی با پایان یافتن تفسیر خود، اقدام به تلخیص آن نموده و در سال ۱۹۷۸ ترجمه‌ای تفسیری با همان نام به چاپ رساند (ولدبیگی، ۱۳۹۲: ۴۳، ۳۷). کتاب "ته - فسیری کوردی له کهلامی خواوهندی" نیز که سال‌ها به صورت مخطوط باقی مانده بود؛ چند سال پیش در ده مجلد به چاپ رسیده است. طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵ ملاحسین زمناکویی نیز به تفسیر قرآن پرداخت. تفسیر موجز او دو جلدی بود و فقط یکبار در سلیمانیه به چاپ رسید و نایاب گردید (ره‌نجیار، ۲۰۰۹، ۶۷۷). در سال ۱۹۸۰ علامه ملاعبدالکریم مدرس فرزند فتح؛ تفسیر هفت

جلدی خود با نام «تفسیری نامی» منتشر کرد. خلاصه‌هایی سه جلدی و یک جلدی از این تفسیر به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ چاپ شد (ولدبیگی، ۱۳۹۲: صص ۳۷ و ۴۳). بعد از تفاسیر فوق، تفسیر «تفسیری قورئانی پیروز» اثر ماموستا عثمان عبدالعزیز پرسی است که در میان تفاسیر کردی جایگاه علمی بالایی دارد. نگارش این تفسیر در سال ۱۹۷۶ شروع و در سال ۱۹۹۶ به پایان رسید. شیخ محمد خال فرهنگ‌نویس و مفسر کرد طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ هفت جزء از تفسیر قرآن را نوشت و با فوت ایشان کار ناتمام ماند. همه‌ی این آثار در کردستان عراق انجام شد؛ چون کردها در این کشور آزادی نسبی در خواندن و نوشتن به زبان مادریشان دارند. در کردستان ترکیه نیز کامران بدرخان طی سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۰ به ترجمه سوره‌هایی از قرآن و ترجمه احادیث نبوی اقدام نمود (ولدبیگی، ۱۳۹۲: ۴۳). به دنبال این کارها تا دهه‌ی آخر قرن بیستم میلادی همه‌ی ترجمه‌های کردی قرآن، باز هم به صورت تفسیر ارائه شده‌اند.

با استقبال ملل مسلمان از ترجمه قرآن در اواسط قرن بیستم در پی بیداری امت اسلام، اندیشمندان قرآن‌شناس با توجه به نیاز جوامع مسلمان و گرایش آنان به سوی فهم مفاهیم قرآن مطابق جهان معاصر با شدت بیشتر به ترجمه‌ی آن روی آوردند. این موج ترجمه در ایران ترجمه رونق بیشتری داشت و به تبع آن قرآن‌پژوهان کرد نیز تلاش کردند تا آنجا که تعدادی از نخبگان کرد با زبان فارسی به خلق آثار قرآنی پرداختند مانند: محمدعلی کوشا، مصطفی خرم‌دل، عبدالرحمن پیرانی، بهاء‌الدین حسینی، عبدالعزیز سلیمی، جهانگیر ولدبیگی، سید رضا ابوالمعالی کرمانشاهی و ناصر روشن.

در سه دهه‌ی اخیر با الگو گرفتن از سیر صعودی ترجمه‌های قرآن و نیاز و درخواست جامعه کرد به ترجمه قرآن، توفیق ارائه‌ی ترجمه‌های ارزشمندی نیز نصیب زبان کردی و کردزبانان هر چهار اقلیم کردستان شده است. اولین تفسیر کردی قرآن در ایران توسط ملامحمود احمدی دیولان نوشته شد. ایشان تفسیر هفت جلدی کردی «گولبژیر» را در فاصله سال‌های ۱۳۶۳ش تا ۱۳۷۰ش در مؤسسه انتشاراتی خود (احمدی) به چاپ رساند و در سال ۱۳۸۶ش نیز خلاصه آن را در یک جلد منتشر نمود.

اولین ترجمه‌های کردی قرآن نیز در ایران توسط ماموستایان ملامحمد صالح ابراهیمی (شه-پول) استاد دانشگاه تهران بود، و نیز عبدالرحمان شرفکندی (هه‌ژار) نوشته شد. نگارش هر دو ترجمه در سال ۱۳۶۹ش به پایان رسید و به فاصله چند سال چاپ شد. شه‌پول به گفته خود، رؤیای این کار را از سال‌های طلبگی در سر داشته است در مورد ترجمه خود می‌نویسند: «ویستوومه تا ده‌گونجی وهرگیزاویکی ته‌واو و پوخت بئ، که‌رچی وهرگیزانی قورئان، که‌لامی به‌دی هینه‌ر له قالبی قسه‌ی به‌دیهاوتوو ناگونجی، به‌لام تیکوشاوم وهرگیزاوه کوردیه‌که له که‌ل ده‌ه‌که نزدیک بیت وله هه‌ر شوین که پیوستی به و ته و شی کردنه‌وه‌بیت له‌ناو دوو که‌وانه روونم کردو ته‌وه» (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۶۲۴). (=تا آنجا که در توان داشتم سعی نموده‌ام که ترجمه‌ای

تمام و پیراسته باشد. اگرچه ترجمه کلام آفرینش‌گر در چهارچوب گفتار مخلوق ننگند؛ اما تلاشم بر آن بوده که این ترجمه کردی به معنای متن قرآن نزدیک باشد؛ البته در صورت نیاز، توضیح و تفسیر را میان دو کمان آورده‌ام).

همزمان با ایشان ماموستا هه‌ژار نیز به ترجمه قرآن پرداخت. ایشان با آگاهی کامل از زبان قرآن و تسلط بر لهجه‌های مختلف زبان کردی؛ توانست در سال ۱۳۶۹ ش طی مدت نه ماه ترجمه‌ای ادبی و زیبا از قرآن بنویسد. (شرفکندی، ۳:۱۳۸۹) دیری نپایید که حوزه ترجمه کردی قرآن رونق گرفت و ترجمه ارزشمند دیگری از قرآن به زبان کردی، چاپ و منتشر شد. در میان این آثار، تفسیر، ترجمه تفسیری، ترجمه معنایی، ترجمه تحت‌اللفظی و ترجمه ادبی و منظوم دیده می‌شود. ترجمه‌های برهان محمد امین، محمد صالح باموکی، صدیق صفی‌زاده، مظفر پرتو ماه، رزگار کریم ناصح فتاح، توفیق مرادی، مصطفی خرم‌دل، ابراهیم مردوخی و ترجمه‌های دیگری که تعداد آنها بالغ بر ۳۰ مورد می‌شود. همه‌ی این آثار در یک سطح نبوده و برخی از خطاهای احتمالی، پیراسته نیستند؛ اما با وجود آنکه درباره ترجمه‌های فارسی قرآن کریم و بررسی و تحلیل آنها تا کنون پژوهش‌های بسیاری در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه ارائه شده است، در مورد ترجمه‌های کردی قرآن تا کنون پژوهش مستقلی انجام نشده است.

اهداف

ترجمه‌های کردی قرآن اگر چه پا به پای ترجمه‌های فارسی پیش نرفته اما با در نظر گرفتن مجموع شرایط حاکم بر این زبان و سخنورانش، در طی این مسیر چندان عقب نیفتاده و ترجمه‌های بارزی انجام شده است؛ جای سوال است که چرا ترجمه‌های کردی قرآن نیز که از نظر ادبی هنری و بیان مقاصد و مفاهیم آیات ارزش کمتری از ترجمه‌های فارسی قرآن ندارند؛ تا به حال شماسانده نشده یا مورد نقد و بررسی قرار نگرفته‌اند؟ در این پژوهش برای جواب این سوالات و با هدف ضمنی طرح مبحث ترجمه‌پژوهی قرآن در زبان کردی، ترجمه‌های مصطفی خرم‌دل با تأکید بر دو اثر: شنه‌ی رحمت و تفسیر نور که از بارزترین آثار قرآنی ایشان است، به عنوان آغازین راه با روش تحلیلی-توصیفی، بازخوانی و بررسی شده است تا پژوهشگران به دو هدف ذیل دست یابند:

۱. معرفی و بیان ویژگی‌های این دو ترجمه.

۲. بیان نقاط قوت و ضعف هر دو ترجمه.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه ترجمه پژوهی قرآن به زبان فارسی نشان می‌دهد که نقد ترجمه‌های فارسی قرآن از سال‌های ۳۷-۴۰ ش با نقدهای مرتضی مطهری، محمد فرزاد و غلامرضا طاهر، بر ترجمه ابو القاسم پاینده شروع شد و طی شش دهه اخیر تقریباً بیشتر ترجمه‌های معاصر، مورد کاوش قرار گرفته و

نقاط قوت و ضعف آنها مشخص شده است. درباره ترجمه‌های قرآن کتاب‌ها، مقالات و رساله‌هایی نوشته شده است. در این بحث موجز به معتبرترین آنها اشاره می‌شود:

بهاء‌الدین خرمشاهی (۱۳۷۳ش) در کتاب «قرآن پژوهی» چند مورد از ترجمه‌های کهن و جدید فارسی قرآن را بررسی کرده است. از نظر ایشان ترجمه‌های فولادوند و آیتی از سایر ترجمه‌ها بهتر-اند. همچنین خرمشاهی (۱۳۸۸ش) در کتاب «بررسی ترجمه‌های امروزی فارسی» به معرفی و نقد موردی چهل ترجمه فارسی قرآن پرداخته است که از یکصد سال پیش تا امروز به عنوان برترین ترجمه‌های قرآن شناخته شده‌اند. ایشان با بررسی اجمالی این ترجمه‌ها و ارائه نمونه‌هایی از ترجمه آنها از آیه‌ی الکرسی، نقدهایی نیز بر آنها وارد کرده است. خرمشاهی در تحلیلی بسیار مختصر از تفسیر نور به معرفی آن و بیان شیوه کار مترجم و بیان پاره‌ای ویژگی‌های سبک او پرداخته است.

محمدعلی کوشا (۱۳۸۶) در کتاب «ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازوی نقد» به بررسی و نقد ترجمه‌های ممتاز فارسی قرآن کریم از پنجاه سال گذشته تا به امروز پرداخته است. ایشان از بین ده مورد از بهترین ترجمه‌های ممتاز قرآن، ترجمه‌های آقایان که تفسیر «نور» خرم‌دل یکی از آنهاست. مرتضی کریمی‌نیا (۱۳۸۹) در کتاب «ساختار زبان فارسی و مسأله ترجمه قرآن» در ۱۶ مقاله و یک گفتگو مساله ترجمه قرآن و بعضی مبانی و اصول ترجمه را بیان کرده است. سپس در چند مبحث به نقد ترجمه‌های فولادوند، مکارم شیرازی، معصومه یزدان‌پناه و دو ترجمه آلمانی و انگلیسی از قرآن می‌پردازد. محمد حسن جواهری (۱۳۹۲) در کتاب «روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم» انواع روش‌های ترجمه، اصول ترجمه، مبانی ترجمه، رعایت یکسانی در ترجمه مفردات و هنر مترجم در بیان مفاهیم قرآن را آورده است. بنابر این کریمی‌نیا هیچ گونه نقد و بررسی مستقلی زدر آثار خود یا به صورت مستقل از تفسیر نور یا شنه‌ی رهمته ارائه نداده اند اثر نداشته و خرمشاهی نیز جز تحلیلی در حدود معرفی تفسیر نور و شیوه کار مترجم و بیان پاره‌ای ویژگی‌های سبک مترجم در کاری دیگر انجام نداده اند. آقای کوشا به معرفی و دوسه مورد نقطه قوت ودر ادامه به موارد ضعف ترجمه-از منظر دید علمی خود- پرداخته اند. نتیجه این مبحث بیان فقر کتابخانه کردی از وجود تحقیق و پژوهش در زمینه ترجمه پژوهی قرآن کریم است.

۲. آثار مصطفی خرم‌دل

ترجمه‌ها و تالیفات مصطفی خرم‌دل در حوزه قرآن عبارت است از: ترجمه تفسیر «فی ظلال القرآن» اثر سید قطب، ترجمه تفسیر «المنتخب» تدوین گروه قرآن و سنت مصر است که با عنوان «تفسیر نور» است. این ترجمه با توضیحات و حواشی مفید مترجم تحسین صاحب‌نظران حوزه پژوهش‌های قرآنی را برانگیخته است (خرمشاهی، ۱۳۸۸: ۲۴۶). تفسیر «المقتطف» به زبان عربی، «ترجمه روان قرآن» به زبان فارسی و «شنه‌ی رهمته» ترجمه تفسیری قرآن به زبان کردی از دیگر آثار ایشان است.

بیشتر آثار خرم دل به زبان فارسی است. قریب به چهار دهه فعالیت در حوزه قرآنی، از دکتر خرم مؤلفی پر کار و مترجمی توانا ساخته است (کوشا، ۱۳۸۶: ۱۹۲). دو تفسیر نور و شنه‌ی ره‌حمه‌ت از دیدگاه فقهی مربوط به اهل سنت است. مترجم در ترجمه آیات اسماء و صفات با وجود پایبندی به تفویض سلف در متن ترجمه، تأویل خلف را نیز در توضیحات و حواشی آورده است. اشتباه مترجم در این مورد، برداشت قاطع و قول فصل در قائل بودن به واو عطف در آیه هفتم از سوره آل عمران است. ایشان در این آیه قائل به عطف «والراسخون فی العلم» بر «وما یعلم تأویله إلا الله» بوده و برخلاف تفسیر المنتخب که منبع و مصدر تفسیر نور بوده، عمل کرده است. شایسته بود که مترجم به روال همیشگی کار خود، حد اقل در پاورقی به دیدگاه مصدر اصلی ترجمه و البته اقوال محکم سلف در قول به (واو) استیناف بودن آن اشاره می کرد. نکته شایان توجه دیگر این است که مترجم مسائلی چون حروف مقطعه، هنگامه رستاخیز، چگونگی روح و صفات یزدان را از متشابهات می شمارند؛ و این سؤال مطرح است که راسخان در علم که به قول مترجم از علم تاویل متشابهات برخوردارند؛ چگونه از عهده این مشکل و ترجمه این گونه آیات بر می آیند.

نام‌گذاری این دو ترجمه‌ی تفسیری با عنوان تفسیر از دیدگاه علمی قابل قبول نیست؛ زیرا هر دو ترجمه از نوع ترجمه تفسیری (تفسیر در درون ترجمه) هستند که با توضیحات کافی در حواشی، نیاز مراجعه کننده را رفع می کنند؛ اما تفسیر تعریفی و مشخصاتی دیگر دارد که از جمله شأن نزول آیات، شرح آیات احکام، تبیین آیات اعتقادی، اهمیت دادن به سنت صحیح، بیان قیل و قال‌ها و آراء متضارب علما، انواع قراءات، مطلق‌ها و مقیده‌های آیات، عموم و خصوص آیات و غیره که در این دو اثر دیده نمی شود. مترجم در هر دو اثر، از تفاسیر برجسته گذشته و امروزی بهره کافی و وافی برده است. از تغییرات زبان شناختی واژگان، پیدایش سیر و نحوه کلمات جدید و تغییرات معنایی و فرسایشی آن در طول زمان، به خوبی آگاه و در زبان های مقصد - به جز مواردی چند- از واژگان روان و شیوا استفاده کرده است.

درباره منابع فقهی باید گفت خرم‌دل در ترجمه قرآن کریم که قریب به ۵۰۰ آیه در مورد احکام و مسائل شرعی دارد، به طور تخصصی وارد مباحث فقهی نشده است؛ اما پر آشکار است که به منابع فقه اهل سنت با گرایش‌های فقهی معتبر در زمینه آیات احکام توجه کرده است. او بر ترجمه‌های متعدد فارسی و کردی اشراف داشته و با دقت در نقاط ضعف و قوت آنها و با توجه به سابقه وی در ترجمه پژوهی قرآن، در حد بالایی از اشتباهات احتمالی پرهیز کرده است.

۱-۲. تفسیر نور

هر چند دستیابی به ترجمه یا تفسیری که از هر جهت کامل و بی نقص و حاوی تمام علوم و فنون قرآنی و نکته‌های پر راز و رمز آن در ابعاد گوناگون ادبی، کلامی، تاریخی و فقهی باشد، از دایره

معلومات یک فرد بسی بالاتر و از حیطة فکر و دانش یک نفر به تنهایی خارج است؛ اما این به آن معنا نیست که فهم و تفهیم آیات قرآن غیر ممکن باشد. شاهد این ادعا، ترجمه قرآن به بیش از دویست زبان است که فقط در زبان فارسی و اردو قریب به دوهزار ترجمه کامل و ناقص از قرآن در دسترس است. فن ترجمه از موثرترین، کوتاه‌ترین و آسان‌ترین شیوه‌های پیش‌برد رهنمودهای قرآن است. از آنجا که ترجمه نوعی تفسیر فشرده به حساب می‌آید از جهت ارائه، به مراتب دشوارتر از فن تفسیر است؛ زیرا برگرداندن متنی از زبانی به زبان دیگر مستلزم حفظ مفهوم و محتوای زبان مبدأ در زبان مقصد با رعایت آرایش‌های لفظی و پرهیز از هرگونه زوائد است؛ به گونه‌ای که دو عنصر ادب و هنر در ساختار آن دخیل باشند؛ چون با عنصر ادب، مفهوم و محتوای زبان مبدأ به زبان مقصد وارد می‌گردد و با مایه هنر، قالب زبان مقصد باید بی‌هیچ کجی و کاستی، و به اندازه و متناسب، ساماندهی شود.

کوشا (۱۳۸۶ش) معتقد است:

توانایی مترجم آنگاه بروز و ظهور می‌یابد که ساختار متن را به گونه‌ای در ترجمه بگنجاند که حجم آن، بیش از حجم متن نباشد و در عین حال نقصانی در معنا و مفهوم پیدا نشود؛ یعنی در لفظ و معنا هماهنگ با متن و به اندازه آن باشد. البته چنین هنری هر چند سخت و دشوار می‌نماید ولی برای متبحر این فن غیر ممکن نیست. از طرف دیگر هر آنکه آشنا به فنون ترجمه قرآن باشد نیک می‌داند که مترجم هر اندازه ماهر و هنرمند و کارآزموده باشد، نمی‌تواند آن گونه که شاید حق کلام الهی را ادا کند؛ زیرا در چنین مقامی، مترجم با متنی سروکار دارد که آفریدگار آن، خدای بی‌نقص و بی‌نهایت است و در مقابل او آفریده پر خطا و محدود است و روشن است که ذهن محدود بشر به عمق همه ابعاد پر راز و رمز و ظرافتهای بس والای وحی الهی دست نیابد. با این هم نمی‌توان اصل اقدام به ترجمه آن را منتفی دانست و به بهانه پیچیدگی‌های موارد خاص، ترجمه قرآن را ترک نمود (ص ۳۲۸).

استاد خرم‌دل با اشرف بر ترجمه‌های متعدد فارسی و کردی داشته است و دقت در نقاط ضعف و قوت آنها، توجه به نقدپژوهی ترجمه‌های قبلی قرآن باعث شده از اشتباهات احتمالی پرهیز کند. تفسیر نور ترجمه تفسیر «المنتخب» تدوین کمیته قرآن و سنت مصر است که مترجم با مهارت و توانایی خود تکمله‌هایی بر آن افزوده است و با نام «تفسیر نور» به چاپ رسیده است (خرمدل، ۱۳۸۵: پیشگفتار مولف). «تفسیر نور» به چکش نقد و تحلیل قرآن پژوهان بهاء‌الدین خرمشاهی و محمد علی کوشا خورده است. و البته نقدی تخریبی نیز بر این ترجمه به قلم سید عبدالوهاب طالقانی در شماره ۵۴ مجله ی بینات نیز به چاپ رسیده است. این نقد و بررسی‌ها و تصحیح‌های خود مترجم در چاپ‌های بعدی این تفسیر، بر غنای آن افزوده و تجدید چاپ آن از مرز چاپ سیزدهم تا امروز گذشته و از بهترین ترجمه‌های اهل سنت به زبان فارسی است.

بارزترین ویژگی‌های این اثر و سبک مترجم را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- ۱- ایشان در ترجمه، همواره به اطناب‌گرایی دارد و گاه، تفسیر و ترجمه را در هم می‌آمیزد؛ این اشکال بلاغی با ضعف عدم مرزبندی میان ترجمه و تفسیر در حالی است که فزونی متن ترجمه بر نص آیات، از دید اهل فن به عنوان نقص به حساب می‌آید.
- ۲- تسلط کامل به زبان عربی و نیز زبان مقصد و رعایت دقایق و ظرافت‌های هر دو زبان از ویژگی این ترجمه تفسیری است.
- ۳- رعایت اصل امانت‌داری و پرهیز از حذف واژگان؛ مثلاً پرهیز از حذف بی‌مورد واوهای قرآن که بار معنایی خاص خود را دارا هستند.
- ۴- توجه به ریشه‌یابی مفهوم کلمات و دگرگونی‌های زایشی و فرسایشی معنا و کاربرد آنها با گذشت زمان در زبان مقصد.
- ۵- قابل فهم نمودن مفاهیم پیچیده برای بیشتر اقشار مخاطب.
- ۶- مترجم از آوردن آرای مورد اختلاف تفسیری به ترجمه که می‌تواند سبب سرگردانی مخاطب در میان اقوال متنوع خودداری کرده است. همچنین تا حد امکان از تأویل متشابه‌ها و انداختن خواننده در دام شبهات پرهیز کرده است.
- ۷- نثر تفسیر نور پخته و روان است و متن در حد قابل قبولی از واژگان مهجور و نامأنوس دور مانده است.
- ۸- نمایان بودن ویژگی‌های متن مبدأ در ترجمه و معادل‌یابی برای بیشتر کلمات. ترجمه جملات تا حد امکان به صورتی که در متن مبدأ است، آمده است؛ اگر جمله‌ای اسمیه و یا فعلیه و یا اسنادی و غیره است؛ به همان صورت به زبان مقصد آمده است.
- ۹- مشخص کردن برخی از جملات معترضه که از مقتضیات کلام بوده و نقش تبیینی آن در ارتباط جملات قابل توجه است.
- ۱۰- در ترجمه‌ی بعضی افعال با معنای مشخص، گاه از دوفعل استفاده کرده است. آیه ۵ احقاف. نوح آیه ۸
- ۱۱- توجه به نقل قول‌ها و انتقال آن به همان سبک در زبان کردی و نیز در نظر گرفتن بار معنایی جملات اسمیه یا فعلیه از جهت دلالت بر ثبوت و حدوث و استمرار و تجدد. همچنین توجه به زمان افعال و قراین مربوط به آن برای ترجمه درست آن.
- ۱۲- در بسیاری از آیات طول کلام و متن مبدأ در ترجمه جمله‌ها رعایت شده است و این از نظر پژوهشگران (صفا، ۲۷) ضرورت دارد؛ «ترجمه باید در لفظ و معنا هماهنگ بامتن و به اندازه آن باشد (کوشا، ۱۳۸۳: ۱۰).

۱۳- مترجم در ترجمه ساخت نحوی جملات به زبان فارسی به گونه‌ای همسان و مطابق با ساختار نحوی زبان مقصد عمل کرده است به طوری که دست‌اندازهای نحوی در بافتار جملات بسیار اندک است.

۱۴- مترجم از به‌کارگیری اصطلاحات تخصصی، فلسفی یا عرفانی غیر ضرور پرهیز کرده است. ۱۵- اشراف بر زبان مبدأ و تسلط کامل بر زبان مقصد باعث شده گونه‌های وصفی، اضافی، تاکیدات و همچنین نحوه قرارگرفتن عناصر جمله؛ با توجه به نوع جمله (انشایی یا خبری بودن و تنوع هر کدام) در ترجمه آیات دیده شود؛ اگر مترجمی در ترجمه عبارت وصفی «صراطاً مستقیماً»، می‌آورد «ریگه‌ی راستان»؛ این ترجمه در واقع نمی‌تواند بر قواعد دستور زبان مقصد منطبق باشد.

۱۶- اگرچه مترجم با شناخت مفردات و توجه به ساخت‌های صرفی و تفاوت‌های مصدر با اسم مصدر، تشخیص صفت مشابه از صیغه مبالغه با توجه به اوزان مشترک، توجه به معانی حروف، ترجمه حال و تمیز و تاکیدات الف و لام‌ها ترجمه قابل قبولی ارائه کرده است؛ اما در مواردی مثل ترجمه «سایما» به کلماتی چون: «شکل و شیوه و روالهت» (خرم‌دل، ۱۳۹۵: آیه‌های محمد/۳۰ و فتح/۲۹ و رحمن/۴۱) به معنای این واژه در هر دو زبان مبدأ و مقصد، تأمل کافی نکرده است. «ضرورت آگاهی از زبان مقصد در تراز بالاتری از نیازمندی مترجم به زبان مبدأ قرار دارد. آشنایی کافی با دستور تاریخی به مترجم این امکان را می‌دهد که واژه‌های غیر معیار را شناسایی کند» (جوهری، ۱۳۹۷: ۱۰۱). لطفی‌پور ساعدی (۱۳۹۵) در این مورد می‌نویسند:

مترجم به لحاظ اهمیت ویژه متون دینی و کتاب‌های آسمانی باید بیش از همه به دو موضوع توجه خاص مبذول بدارد. اول عنصر بافتار، دوم مسائل فرهنگی. برای نمونه، آمدن عنصر «لك» قبل از «صمت» در جمله «لك صمت» تصادفی نیست بلکه حاکی از یک بنیان فکری و عقیدتی استوار اسلامی است. در موضوع دوم، ناهمگونی فرهنگ زبان مقصد و مبدأ که مفاهیم را دچار مشکلات عظیمی می‌کند. تنها کاری که مترجم در رفع مشکلات تفهیمی حاصله از ناهمگونی فرهنگ‌های زبان مبدأ و مقصد می‌تواند انجام بدهد، اضافه کردن توضیحات در زیرنویس یا حاشیه است. مترجم حق اضافه کردن حتی یک کلمه توضیحی در درون متن اصلی را ندارد (ص ۳۹۵).

۱۷- بهره‌مندی از ملکه هنر و ادب در نوشتار: فهم و ذوق ادبی نقش بسیار مهمی در درست‌نویسی، زیبانویسی و هنری‌نویسی ترجمه دارد. «مترجم باید آراسته به هنر ترجمه باشد. هنر ترجمه غیر از ادب ترجمه است» (کوشا، ۱۳۸۶: ۳۸۳). این ویژگی در ترجمه‌های فارسی و کردی خرم‌دل وجود دارد.

- ۱۸- آگاهی از سیاق آیات: شناخت معنای مورد نظر در آیات از میان معانی مختلف، با توجه مشترکات معنوی کلمات و کاربردهای مجازی آنها در تفسیر نور رعایت شده است.
- ۱۹- عدم بازتاب اعتقاد و اندیشه شخصی و مذهبی در ترجمه خرم‌دل دیده می‌شود. همان‌طور که باید مترجم به عقیده خاصی تمایل پیدا نکند و مذهب خاصی را در نظر نگیرد، خرم‌دل با بهره‌مندی از عقل سلیم به این مهم توجه داشته و از نقش تخریبی اندیشه‌های حزبی و فرقه‌ای در ترجمه قرآن و تحمیل افکار بر ترجمه آگاه بوده است. همان‌طور که «یکی از ویژگی‌های مهم متن مورد ترجمه که مترجم باید آن را لحاظ کند، سبک ترجمه است. سبک در اصطلاح ویژگی‌هایی در کلام است که آن را از سخنان دیگر متمایز می‌کند (جوهری، ۱۳۹۷: ۲۵) سبک خرم‌دل یک‌دست و در عین سادگی برای خواننده واضح و ویژه ترجمه‌های ایشان است.
- ۲۰- در آیه سوم سوره الفیل مترجم با توجه به اهمیت استفهام موجود در دو آیه قبلی، آیه سوم یعنی: «وَأَرْسَلْ عَلَيْهِم طَيْرًا أَبَابِيلَ» را نیز بر **أَلَمْ يَجْعَلْ عَطْفٌ كَرِهَةٌ** و برخلاف بیشتر ترجمه‌های بارز فارسی، استفهام تقریری دیگری آفریده است.
- ۲۱- در ترجمه سوره مدثر، آیه ۲۱، «**تُمْ نَظْرٌ**» آورده است: باز هم نگریت و دقت کرد. مترجم با مهارت علمی «**نَظْرٌ**» را به معنی **نَظَرٌ فِي أَيْ**: نظر بدقت ترجمه کرده است برخلاف مترجمانی که آن را به معنی **نَظَرٌ إِلَى** معنی کرده‌اند؛ اما اشتباه جزئی مترجم در ترجمه آن است که این چگونه نگرستن را با دو فعل ترجمه کرده است: نگریت و دقت کرد. با توجه به برداشت مترجم از فعل مورد نظر؛ ترجمه بهتر و روان‌تر این گونه است: باز هم با دقت نگریت.
- ۲۲- در سوره انشقاق، آیه ۱۲؛ در ترجمه «**وَيَصْلِي سَعِيرًا**» آورده است: و به آتش سوزان دوزخ در خواهد آمد و خواهد سوخت. قابل توجه است که معنی خواهد سوخت در آیه نیست اگر چه فحوای کلام به آن اشاره دارد. بهتر بود که مترجم این قسمت را به صورت رنگی و به عنوان تفسیر می‌آورد.
- ۲۳- در سوره احقاف آیه ۲۷؛ حرف جر «**مِنْ**» موجود در آیه را از نوع بعضیه گرفته و به زیبایی ترجمه نموده است. این در حالی است بیشتر مترجمان از آن غفلت کرده‌اند.
- ۲۴- در سوره احقاف آیه ۲۱؛ جمله حالیه موجود در وسط آیه را بدون توجه به اهمیت حالیه بودن آن ترجمه کرده است.
- ۲۵- در سوره صف آیه ۱۳ نیز معنی «**تُحِبُّنَهَا**» از قلم افتاده است.

۲-۲. ترجمه تفسیری شنه‌ی رهمه‌ت

«شنه‌ی رهمه‌ت» ترجمه‌ای تفسیری در دو جلد و به زبان کردی است که در دو هزار صفحه با قطع وزیری توسط نشر احسان منتشر شده است. صفحات این تفسیر با یک خط افقی به دو قسمت تقسیم شده است که در سمت راست بالای صفحه، متن قرآن و در سمت چپ، ترجمه آیات آمده است. قسمت پایین صفحات نیز به موارد اضافی تفسیری، شرح لغات، ارجاعات و گاه نکات نحوی و بلاغی اختصاص داده شده است. این قسمت موجز و پربار، اگرچه در حوزه این تحقیق نیست اما اهمیت بسیار دارد. این ترجمه تفسیری ترجمه‌ای از تفسیر نور (از مترجم) است. تفسیر «شنه‌ی رهمه‌ت» تمامی ویژگی‌های تفسیر نور را داراست و شایسته بود مترجم به این مورد اشاره می‌کرد؛ اما به هر دلیل، این سهو از دید مترجم محترم پنهان مانده است.

تفسیر «شنه‌ی رهمه‌ت» به لحاظ مرجع و منبع از پشتوانه محکمی برخوردار است. استفاده از منابع تفسیری قدیم و جدید، منابع اعرابی و بلاغی، در ترجمه ایشان بازتاب داشته است که نشان از وقوف مولف بر جایگاهی بالا و دامنه‌ای استوار در قرآن پژوهی است. این ترجمه تفسیری نیز بیشتر به سبب زبان اثر و توانمندی مولف در ارائه‌ی آثار قرآنی، مقبول واقع شده است.

برخی از دیگر ویژگی‌های بارز این ترجمه تفسیری عبارت است از:

- ۱- نوع ترجمه، ترجمه تفسیری است که جنبه تفسیری آن -که در کنار ترجمه و پاورقی آمده است- بر ترجمه غلبه یافته نام «تفسیر» به خود گرفته است.
- ۲- ویژگی‌های ظاهری تفسیر چون صفحه آرایی، قطع و شکل و تعداد صفحات هر جلد و همچنین نظم در نوشتار رعایت شده است. در بالای هر صفحه نام سوره، شماره صفحه و شماره جزء به صورت واضح نمایان است.
- ۳- ترجمه آیات با دو رنگ مشکی (ترجمه) و قرمز (تفسیر) از هم تمیز داده شده است. ترجمه آیات پیوند و وحدت میان ترجمه و تفسیر دیده می‌شود.
- ۴- یک دست شدن ترجمه با تفسیر از نقاط مثبت تفسیر است. فهم مترجم از کلمات و آیات با توجه به سوابق ایشان در ترجمه و تألیفات قرآنی در حد بالایی از آگاهی است البته سعی مترجم در تفهیم جملات و آیات، در کنار موفقیت ضرر و زیان اطناب در ترجمه و ایجاد حواشی و زوائد را سبب شده است.
- ۵- «شنه‌ی رهمه‌ت» در موارد اندکی، ساختار دستوری زبان فارسی به خود گرفته است و این به سبب ترجمه مستقیم از کتاب «تفسیر نور» است.
- ۶- با توجه به جنبه تفسیری این اثر که از عنوان آن پیداست؛ عدم بهاء به مآثور (سنت صحیح نبوی) و اقوال سلف در تبیین آیات قرآن و همچنین عدم اعتبار به شأن نزول صحیح آیات، از موارد اشکال در این تفسیر است. این ضعف زمانی بیشتر جلوه کرده است

- که شنه‌ی رحمت اسم تفسیر را حمل می‌کند. این ضعف از آنجا که مترجم اسم تفسیر را بر این اثر نهاده قابل توجه است.
- ۷- مترجم احاطه فراوان بر واژه‌ها و کلمات زبان کردی دارد.
- ۸- دیدگاه‌های کلامی مترجم نشان از پابندی او به اصول و مبانی اعتقادی اهل سنت و منابع تفسیری معتبر ایشان؛ به ویژه در ترجمه آیات مرتبط با اسماء و صفات دارد.
- ۹- استفاده از کلمات عامیانه در ترجمه همانند "گه‌وچانه"، "شیخ و میخ" و نیز استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات محلی منطقه موکریان محل اشکال است. این امر با دقت بیشتر می‌توانست به نقطه قوت ترجمه تبدیل شود. مترجم می‌توانست معادل‌های موکریانی واژه‌ها را در پاورقی بیاورد؛ تا هم به گسترش دامنه واژگان مخاطب بینجامد و هم زبان استاندارد کردی بیشتر رعایت گردد و برخی از کلمات برای خوانندگان سایر لهجه‌ها گنگ و نامفهوم نباشد.
- ۱۰- مولف معانی واژه‌ها و عبارات مشکل هر آیه را در پاورقی قرار داده و گاه به فنون بلاغی نهفته در آیات اشاره کرده است. توضیحات متناسب و افزوده‌های تفسیری و پابندی به قول راجح در ترجمه واژه‌ها و عبارات، از جمله نقاط قوت این اثر به حساب می‌آید.
- ۱۱- سبک ترجمه خرم‌دل در تفسیر «شنه‌ی رحمت» همانند دیگر ترجمه‌ها و تألیفات قرآنی وی، ساده و دور از کلام مسجع و موسیقی و هرگونه نگارش آوایی است.
- ۱۲- طول کمی ترجمه و افزوده‌های توضیحی و زوائدی که گاه به صورت ترادف میان کلمات و گاه بدون دلیل به متن ترجمه افزوده شده، در مقابل ایجاد بلاغی جملات قرآن نوعی آشفتگی و اطناب را در ترجمه او رقم زده است. این اشکال بلاغی در جاهای زیادی از این تفسیر دیده می‌شود.
- ۱۳- از علائم نگارشی در حد نیاز و مقبول استفاده شده است.
- ۱۴- اگرچه توجه به سیاق آیات در این ترجمه، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ اما مترجم در پاره‌ای از موارد، از این قاعده غفلت نموده، نطق وسیع بعضی آیات را محدود نموده است؛ مانند ترجمه آیه ۷۹ سوره غافر.
- ۱۵- نادیده گرفتن ترجمه «واو» عاطف در بسیاری از موارد دیده می‌شود.
- ۱۶- اشتباهات جزئی در ترجمه بعضی افعال مثل آیه ۶۸ سوره زخرف و آیه ۶۵ سوره نساء، دیده می‌شود.
- ۱۷- تعمیم دادن بعضی اسماء خاص مانند آیه ۱۰۰ سوره انعام.

- ۱۸- در مواردی متن ترجمه از لحاظ کمیت آنچنان بر متن آیات زیادت دارد که گویی زبان مقصد نتوانسته است از عهده ترجمه مستقیم و برابر برآید و به تفصیل روی آورده است. بیشتر این تفصیل‌ها ملون نیستند که نشانه‌ی تفسیر آیات باشد.
- ۱۹- در ترجمه بعضی عبارات و مصطلحات قرآنی چون: ﴿بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ أَعْيَاءٌ بَعْضٌ﴾ لغزش‌هایی دیده می‌شود؛ مانند آیات ۵۷ سوره مائده و ۶۷ زخرف و ۱۳۸ سوره بقره.
- ۲۰- در ترجمه کلمه‌ی **إِنْدَارِ تَرَسٍ**، **تَرَسِیْنَه** نیامده و از معانی چون: «**هوشداری**، **داچله‌کاندن**» به خوبی بهره‌برده است. برای کلمه «**فدیه**» معادل «**تاوانه**» را قرار داده که معادل‌ها و گزیده‌هایی مناسب می‌باشند.
- ۲۱- واژه‌ی **یزدان** برای ترجمه اسم علم **الله** نارسا می‌نماید که مواردی از این دست در ترجمه وجود دارد.
- ۲۲- **خرم‌دل** در ترجمه آیه دوم سوره احقاف ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (الاحقاف/۲) آورده است: **ئه و کتیبه (که قورثانی ناوه) هاتوره له لای خواوه، خودای خاوه دهسه‌لات و کاربه‌جی**. در این آیه ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ﴾ مبتدا و ﴿مِنَ اللَّهِ﴾ خبر و جمله اسمیه است (درویش، ۱۹۹۹: ۱۶۰ و صافی، ۱۹۹۵: ۱۶۷، ج ۱۳). ﴿تَنْزِيلُ﴾ مصدر باب تفعیل و به معنای «**ناردن**» و «**نارنده خواره وه**» است نه به معنای فعل لازم «**هاتن**»، آنگونه که در ترجمه آمده است. ﴿اللَّهُ﴾ معرفه است. جدای از این، جمله ﴿مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ دو بار ترجمه شده است. «**خاوه دهسه‌لات**» ترجمه «**ذی العزّة**» است نه «**العزیز**». همچنین با دقت در مصدر **تنزیل** که فوقیت مکانی در آن نهفته است و برای دور شدن از معنای «**ارسال**» ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود: **نارنده خواره‌وه‌ی ئه‌م کتیبه له لایه‌ن خوا‌ی به‌دهسه‌لاتی کاربه‌جی وه‌یه**.
- ۲۳- در ترجمه آیه ﴿وَلَكِنْ لِّيَبْلُوَ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ﴾ (محمد/۴) آورده است: **ئه‌مما خودا هیندیکتان به هیندیکتان تا‌قی ده‌کاته‌وه**. «**بعضکم ببعض**»: یکدیگر، همدیگر (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۱۵). مترجم در ترجمه این عبارت ضعیف عمل نموده‌اند. در اینجا **به یه‌کتر تاقتیان کاته‌وه** درست تر و زیبا تر است (باموکی، ذیل آیه).
- ۲۴- در ترجمه آیه ﴿وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا﴾ (فتح/۳) آورده است: **وه خودا یارمه‌تیت بداء، یارمه‌تیکی نایاب و بن‌وینه و پر شکر و مایه‌ی عیززه‌ت و گه‌وره‌یی**. در اینجا ترجمه ساختار زبان مبدأ داشته و دارای حشو زائد است. بحر المحيط آورده است: ﴿نَصْرًا عَظِيمًا﴾؛ **آی: بالظفر و التمكن (اندلسی، ۲۰۱۰: ۹۰، ج ۸)**. دو ترجمه می‌توان برای این عبارت

آورد: یکی: «وه خوا وه‌ها یارمه‌تیت بدا که بیته هؤج شکو و ده‌سولات» و دیگری «هه وه‌ها خوا یارمه تیه‌کی ده‌سولات‌ارانه‌ت پی بدا» است.

۲۵- مترجم در ترجمه آیه ﴿فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ﴾ (ذاریات/۲۷) می‌گوید: وتی نایا ناخون.

یکی از معانی «ألا» عرض و طلب (تعارف کردن) است. نحویان درباره معنای إلا معتقدند وجوهی پنج‌گانه دارد؛ یکی از آن وجوه عرض و تحضیض است و عرض طلب شیء یا درخواست با مدارا و نرمی و تحضیض طلب با تشویق و ترغیب است (ابن هشام، ۱۳۸۶: ۴۳). و ألا بر سر جملات فعلیه‌ای که فعل مضارع دارند وارد می‌شود (امیل بدیع، ۱۳۷: ۱۹۸۸). در فرهنگ عامیانه مردم کرد نیز، معمولاً به مهمان تعارف کرده می‌گویند: فه رمون بخون.

۲۶- در ترجمه آیه ﴿فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ﴾ (رحمن/۵۶) آورده است: ده باغاتی به‌هشت‌دا ژنانی چاوبه‌ردراوه ههن. این معدل برای ﴿قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ﴾، سبب اخلاص شده است.

معدل بهتر برای ﴿قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ﴾، چاوداخر، چاو پاریز است.

۲۷- ﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ

الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ﴾ (منافقون/۱): کاتی دوپروویه‌کان بؤ لات دین، سویند ده‌خون و ده‌لین: ئیمه شه‌هادت و گه‌واهی ده‌ده‌ین بی شک و گومان تو پاسپارده‌ی خودای، وه خوا شه‌هادت و گه‌واهی ده‌ده‌ا قه‌تعه‌ن دوپروویان درؤ ده‌کن. در این آیه جمله معترضه از نوع احتراص به زیبایی آمده است و اگر جمله اعتراضیه ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ﴾ در آیه موجود نبود چه بسا اتصال تکذیب منافقان [انتهای آیه] به ابتدای آیه، این معنا را برداشت و به ذهن انتزاع می‌کرد که پیامبر (ص) رسول خدا نیست و در نفس الامر، رسالت پیامبر از طرف خداوند تکذیب شده است. در اینجا موقعیت حساس آیه، این اهمیت را موجب شده است. کلمه «الْمُنَافِقُونَ» اسمی خاص برای گروهی مشخص است و در این آیه و آیات مشابه ترجمه آن به "دوپروویه‌کان" به بار تاریخی آن ضربه می‌زند. امانت‌داری در ترجمه، فقط در ارائه معنای یک واژه خلاصه نمی‌شود بلکه گاه واژه ای افزون بر معنا، بار و ارزش معنوی خاصی را به همراه دارد که در ترجمه از بین می‌رود؛ بهتر و البته واجب است که این کلمات، بدون ترجمه با همان لفظ در زبان مقصد گنجانده شوند. کلمات ایمان، اسلام [به عنوان دین]، منافق، تقوا، شهید، ایثار، انفاق و شهادت از این دسته کلمات‌اند.

۲۸- دیگر اشتباه مترجم جمله ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ﴾ عملاً در ترجمه نیامده است و این

سهو بزرگ آشکار، ترجمه آیه را دچار ضعف شدید کرده است. مترجم در مواردی (یکی دو مورد) این خطای ترجمه‌ی ناقص را دچار شده است.

۳. نتیجه پژوهش

ترجمه‌ها و تالیفات قرآنی در میان اکراد اگرچه دیر به آغاز آمد اما در فاصله نیم قرن اخیر خیز برداشت و آثار مهمی در حوزه قرآن و ترجمه و تفسیر آن نوشته شد. مصطفی خرم‌دل مولف، مترجم و قرآن‌شناس توانا برای حوزه قرآن‌پژوهی است و آثار کردی او نمونه‌های شایسته‌ای برای زبان کردی در محافل قرآنی ایران است. ترجمه تفسیر فی ظلال القرآن با عنوان تفسیر فارسی نور، ترجمه روان، تفسیر المقتطف و تفسیر کردی "شنه‌ی رحمت" از آثار ایشان است. بر طبق پژوهش حاضر از ویژگی‌های قابل توجه دو اثر تفسیر نور و شنه‌ی رحمت، یک دست‌بودن ترجمه و تفسیر، رعایت دقایق و ظرافت‌های هر دو زبان، ریشه‌یابی مفهوم کلمات و توجه به فرسایش و دگرگونی معنای آنها با گذشت زمان، قابل فهم بودن ترجمه برای بیشتر اقشار مخاطب اشاره کرد. همچنین باید گفت طول کمی ترجمه در مقابل ایجاز بلاغی جملات و آیات قرآن نوعی آشفتگی و اطناب را در ترجمه او رقم زده است. این اشکال بلاغی در موارد متعددی از این دو تفسیر دیده می‌شود. تفسیر شنه‌ی رحمت به سبب ترجمه مستقیم از تفسیر نور، در مواردی دارای ساختار دستوری زبان فارسی است. تعداد اشتباهات و ترک اولی‌های بایسته در تفسیر نور با توجه به تصحیح‌های متعدد و چند مورد نقد و بررسی اصحاب نظر، بسیار اندک و در مقابل، تفسیر شنه‌ی رحمت موارد معتناهایی از سهوها را دارد. با توجه به مجموع ویژگی‌های این اثر می‌توان آن را توسعا ترجمه‌ای تفسیری دانست و نمی‌تواند تفسیر باشد.

منابع

قرآن کریم.

ابراهیمی، محمد صالح. (۱۳۷۴ش). *القرآن الکریم له گله وه رگیرانی به زمانی کوردی* (چاپ دوم). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی منطقه ۲ کشوری.

ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب* (الطبعة الثالثة). بیروت: دار الأعلمی. الإصفهانی، راغب. (۱۴۳۱ق). *مفردات الفاظ القرآن* (الطبعة السادسة). قم: ذوی القربی. انصاری، محمد باقر و همکاران. (۱۳۹۴ش). *فرهنگ‌نامه علوم قرآنی* (چاپ اول). تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

انوری، حسن. (۱۳۸۸ش). *فرهنگ فشرده سخن* (چاپ پنجم). تهران: انتشارات سخن. آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۵ش). *تاریخ ترجمه از عربی به فارسی* (چاپ اول). تهران: نشر سروش. جواهری، محمد حسن. (۱۳۹۷ش). *روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم* (چاپ پنجم). تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

خرم‌دل، مصطفی. (۱۳۸۵ش). *تفسیر نور* (چاپ چهارم). تهران: نشر احسان.

خرم‌دل، مصطفی. (۱۳۹۴ش). *شنه‌ی رحمت* (چاپ اول). تهران: نشر احسان.

خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۵ش). *ترجمه قرآن کریم* (چاپ اول). تهران: انتشارات دوستان.

- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷ش). *دانشنامه قرآن* (چاپ اول). تهران: انتشارات دوستان.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۸ش). *بررسی ترجمه‌های امروزمین فارسی قرآن* (چاپ اول). قم: ترجمان وحی.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۹ش). *قرآن پژوهی* (چاپ چهارم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۲ش). *لغت‌نامه* (چاپ دوم). تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- الرازی، محمد بن ابی‌بکر. (۱۴۲۴ق). *مختار الصحاح* (الطبعة الرابعة). القاهرة: دار الحدیث.
- رامیار، محمود. (۱۳۶۲ش). *تاریخ قرآن* (چاپ دوم). تهران: امیر کبیر.
- رجبی، محمود. (۱۳۸۳ش). *روش تفسیر قرآن* (چاپ اول). تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رهنجیار، احمد، و ملا عبدالله، احمد. (۲۰۰۹م). *تفسیری گولبیزیر* (چاپ اول). کردستان: کتبخانه‌ی نارین.
- الزرقانی، عبد‌العظیم. (۱۳۸۵ش). *مناهل العرفان فی علوم القرآن* (ترجمه: آرمین محسن) (چاپ اول). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیاح، احمد. (۱۳۸۷ش). *فرهنگ بزرگ جامع نوین* (چاپ هفتم). تهران: انتشارات اسلام.
- شاهسوندی، شهره، و خانه‌زاد، امید. (۱۳۹۲ش). *تغییر مخاطب در قرآن* (چاپ اول). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شرفکندی، عبدالرحمان. (۱۳۸۸ش). *هه‌نیانه بورینه* (چاپ ششم). تهران: انتشارات سروش.
- شرفکندی، عبدالرحمان. (۱۳۸۹ش). *وه‌رگیرانی قورثانی پیروز* (چاپ دوم). تهران: نشر احسان.
- صدراپی، خوبی، علی. (۱۳۸۳ش). *فهرستگان نسخه‌های خطی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم* (چاپ اول). تهران: مرکز ترجمه قرآن مجید.
- صفا‌زاده، طاهره. (۱۳۸۹ش). *اصول و مبانی ترجمه* (چاپ دهم). تهران: نشر پارس کتاب.
- فقهی‌زاده، عبد‌الهادی. (۱۳۸۹ش). *کارگاه روش ترجمه (عربی فارسی، فارسی عربی)* (چاپ اول). تهران: انتشارات سمت.
- کریمی‌نیا، مرتضی. (۱۳۸۹ش). *ساخت‌های زبان فارسی و مسأله ترجمه قرآن* (چاپ اول). تهران: نشر هرمس.
- کوشا، محمد علی. (۱۳۸۶ش). *ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازوی نقد* (چاپ اول). رشت: انتشارات کتاب مبین.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۹۵ش). *درآمدی به اصول و روش ترجمه* (چاپ یازدهم). تهران: نشر دانشگاهی.
- المدرس، عبدالکریم. (۱۴۱۷ق). *علمائونا فی خدمه العلم والدين* (الطبعة الثالثة). بغداد: دار الحریه.
- معروف، یحیی. (۱۳۹۶ش). *فن ترجمه عربی به فارسی* (چاپ ششم). کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
- موسوی، سید مرتضی. (۱۳۷۸ش). *اصول و مبانی تفسیر قرآن* (چاپ اول). تهران: ستاد مرکزی تفسیر قرآن.
- ولدبیگی، جهانگیر. (۱۳۹۲ش). *مفسران معاصر کرد* (چاپ اول). سنندج: نشر آراس.